



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۳۴-۴۱۰

نقش متغیرهای ژئوپلیتیکی در تحول مبارزات شهری و گذار از جنگ‌های چریکی پس

از سده بیستم

آرش نصیری زرقانی

گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

arashnasiri56@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

چکیده

از آغاز تمدن بشری تاکنون، شهرها عمده‌ترین مکان استقرار جمعیت و مرکز فعالیت‌های وسیع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند که امروزه تأثیر غیرقابل انکاری در ابعاد مختلف زندگی مردم سراسر جهان دارند. وجه سیاسی شهرها از جمله مباحثی است که نظر جغرافیدانان سیاسی را به خود جلب کرده و در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در این زمینه به انجام رسیده است که در این میان، بحث شورش‌ها و مبارزات شهری جایگاه ویژه‌ای دارد. شهروندان در زمینه مسائل گوناگون مربوط به زندگی اجتماعی خود دست به فعالیت‌های مختلفی در قالب تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز، راهپیمایی، اعتصابات و حتی جنگ‌های چریکی می‌زنند که در ادوار زمانی این استراتژی‌ها می‌تواند متفاوت باشد. پژوهش حاضر قصد دارد با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ دهد که پس از سده بیستم کدام متغیرهای ژئوپلیتیکی در تحول مبارزات شهری نقش داشته‌اند؟ در اثنای تحقیق پس از بررسی مبارزات سیاسی در محیط‌های شهری در طول قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم، این نتیجه حاصل گردید که مبارزات شهری در این دوران تحت تأثیر فضای دوقطبی جنگ سرد و گسترش اندیشه‌های مارکسیستی قرار داشته و فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی باعث تغییرات عمده‌ای در این نوع مبارزات شده است. همچنین شتاب قابل توجه فرآیند جهانی شدن و طرح موضوعات نوین اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی در شکل‌گیری فعالیت‌های شهری در چارچوبی مسالمت‌آمیز سبب ایجاد دگرگونی ژرفی در این زمینه شده است. علاوه بر این، رویکرد ضد ژئوپلیتیک که در دوران جنگ سرد مطرح شده بود، همچنان ادامه یافت و نهضت‌های اجتماعی، انجمن‌های زیست‌محیطی، گروه‌های حقوق بشری، جنبش‌های مردمی بومی و... در قلمرو موضوعی این رویکرد ژئوپلیتیکی تعریف شدند.

واژگان کلیدی: مبارزات شهری، جنگ چریکی شهری، نظام دوقطبی، جهانی شدن، ضد ژئوپلیتیک.



مقدمه

شهرها از منظر سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارند چراکه مهم‌ترین مرکز فعالیت‌ها و کنشگری جوامع به شمار می‌آیند، به همین علت حکومت‌ها شهر را به عنوان هسته اقتدار و حیات سیاسی خود برگزیده‌اند و شهروندان نیز با نوع نگرش و عملکرد خود، شهر را از یک مکان جغرافیایی صرف به یک مکان سیاسی تبدیل می‌کنند. در دوران اخیر و با افزایش جایگاه و نفوذ ملت در حکومت و اداره کشور، بیش از گذشته شاهد نقش‌آفرینی مردم در عرصه‌های شهری و روستایی هستیم که این حضور سیاسی - اجتماعی در شهرها نمود بیشتری یافته است. این نمود عینی حضور سیاسی مردم در عرصه‌های شهری را می‌توان در کنش‌ها و واکنش‌های آنان در قالب تظاهرات و تجمع، راهپیمایی، اعتصابات، جنگ‌های چریکی شهری و... جستجو کرد که بیشتر جنبه مبارزاتی بر علیه نظم موجود و یا موضوعی مخالف آرای مردم یا دست کم قشری خاص دارد. اما نکته قابل توجه این است که با عنایت به تاریخ یکصد سال گذشته درمی‌یابیم که تاکتیک‌های مبارزاتی متغیر بوده و با توجه به شرایط زمانه دگرگونی می‌پذیرد.

به جرأت می‌توان گفت قرن بیستم یکی از پر حادثه‌ترین از منته تاریخ است که در آن انقلاب‌ها، شورش‌ها، کودتاها و به‌طور کلی دگرگونی‌های فراوانی به وقوع پیوست که مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی به عنوان یک عنصر تأثیرگذار نقش غیرقابل انکاری را ایفا کرده‌اند. وقایع مهمی از جمله انقلاب اکتبر شوروی، انتقال قدرت پی‌درپی در عراق، انقلاب اتیوپی، شورش ظفار عمان، انقلاب اسلامی ایران، کودتا و انقلاب افغانستان، انقلاب چین، انقلاب کوبا، انقلاب الجزایر و... همگی بیانگر این مطلب است که بایستی قرن بیستم «قرن انقلاب» نامیده شود.

بیشتر فعالیت‌های سیاسی این دوران در شهرها با نیت سیاسی و ایدئولوژیکی انجام می‌گرفت. به جز انقلاب ایران که راه نوینی را در چارچوب اندیشه اسلامی به جهانیان معرفی کرده بود، اکثر جنبش‌ها ماهیتی مارکسیستی و مسلحانه داشتند. اتحاد جماهیر شوروی شعار «کارگران جهان متحد شوید» را سر می‌داد و باعث شده بود که طبقه کارگر از حساسیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. به همین خاطر، بیشتر مبارزات شهری به‌خصوص در کشورهای جهان سوم، توسط گروه‌های مارکسیستی و با اتخاذ مشی مسلحانه به انجام می‌رسید و مشکلاتی را برای حکومت‌ها به‌وجود می‌آورد و حتی منافع غرب و نظام سرمایه‌داری را نیز تهدید می‌کرد.

در دوران جنگ سرد، نبردهای خلقی با دو الگوی انقلاب شوروی و انقلاب چین در برابر حکومت‌های مستبد و هم‌پیمان بلوک غرب به‌ویژه آمریکا، استراتژی پرتکراری را در قرن بیستم به نمایش می‌گذاشت. سازمان‌های مسلحانه و رادیکال در ایران، اتیوپی، کوبا، افغانستان، برزیل و الجزایر از جمله مهم‌ترین نمونه‌هایی بودند که در شهرها

جنگ‌های چریکی را به عنوان مناسبترین راه برای رسیدن به مقصود نهایی انتخاب کردند که این امر ناشی از الگوهای غالب در قرن بیستم و گسترش اندیشه‌های مارکسیستی بود که برخی نخبگان و جوامع را تحت تأثیر قرار می‌داد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان نظم دوقطبی در جهان را خبر می‌داد و باعث شد مکتب مارکس از بسیاری جوامع رخت بربندد و اعتبار پیشین خود را از دست بدهد. جنگ‌های چریکی شهری که پیش‌تر استراتژی غالب نیروهای مخالف سیاست‌ها را تشکیل می‌داد کم‌کم به محاق فراموشی سپرده می‌شد. در همین زمان، با شدت یافتن فرآیند جهانی‌شدن موضوعات اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی اهمیت تازه‌ای یافتند و توجه افکار عمومی را به سوی خود جلب کردند. به عبارت دیگر، اگر در دوران قرن بیستم شهرها به علت عوامل سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی صحنه کشمکش و درگیری نیروهای مخالف و دولت شده بود، اکنون عوامل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی فعالان شهری را با اتخاذ شیوه‌های مسالمت‌آمیز به میادین و خیابان‌های شهر می‌کشاند.

تحول مبارزه در محیط‌های شهری، در قرون بیستم و بیست‌ویکم این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که در کنار عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در این تحولات، متغیرهای ژئوپلیتیکی و جغرافیایی نیز نقش دارند. به همین منظور پژوهش حاضر قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که در حوزه ژئوپلیتیک چه متغیرهایی بر تحول مبارزات شهری پس از سده بیستم نقش داشته‌اند؟ با توجه به تحقیقات صورت گرفته، مفروض چنین است که فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد، شدت یافتن روند جهانی‌شدن و درنهایت رشد رویکرد ضد ژئوپلیتیک سبب شده که مبارزات شهری در این دوران از جنگ‌های چریکی گذر کرده و قالب‌های نوینی به خود گیرد و مسائل گوناگونی را در عرصه فعالیت‌های شهری مطرح کند.

روش تحقیق

پژوهش کنونی در گروه تحقیقات کیفی جای می‌گیرد که در آن گردآوری اطلاعات و داده‌ها از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است و سعی شده با تکیه بر این منابع اعم از کتاب و مقاله و همچنین مبنا قرار دادن فکت‌ها و واقعیات مرتبط با موضوع، عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تغییر و تحولات مبارزات اجتماعی در درون شهرها مورد بررسی قرار گیرد. شایان ذکر است که روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به صورت تبیینی یا توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

طبق بررسی‌های به عمل آمده می‌توان چنین برداشت کرد که مطالعات دقیقی بر روی عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر تحول مبارزات شهری پس از سده بیستم به انجام نرسیده است. به این معنا که پژوهش‌های پیشین بیشتر ناظر بر عوامل شکل‌گیری مبارزات شهری و تأثیرات آن بر جنبش‌های اجتماعی بوده و غالباً سعی داشته‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چه عواملی در به‌وجود آمدن جنبش‌های شهری اعم از چریکی و مسالمت‌آمیز نقش داشته‌اند که معمولاً در این‌گونه تحقیقات عوامل اقتصادی مانند فقر، بی‌عدالتی اجتماعی و نابرابری‌ها مد نظر هستند. برخی مطالعات انجام شده مربوط به جنگ‌های چریکی شهری بوده است از جمله تحقیقی که اشجعی (۱۳۶۹) برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت‌عنوان «تئوری جنگ‌های چریکی در نظریات مختلف روابط بین‌الملل» به انجام رسانید و در آن نویسنده پس از بررسی جنگ و تعاریف و نظریات کلی مربوط به آن، به بررسی ابعاد مختلف جنگ چریکی از قبیل مشخصات این نوع جنگ‌ها، اصول کلی، بررسی دیدگاه‌های مختلف به‌ویژه دیدگاه‌های کمونیستی، انعکاس حقوقی جنگ‌های چریکی و... پرداخت.

همانطور که گفته شد، غالب این تحقیقات، اقتصاد را به‌عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری مبارزات شهری دانسته‌اند و برخی منابع را می‌توان یافت که بر تأثیر این عامل بر ایجاد جنبش‌های شهری تأکید کرده‌اند مانند اثری که شکویی (۱۳۶۵) در بخش‌هایی از کتاب خود «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر»، به مبارزات و حرکت‌های سیاسی در شهرها پرداخته است. ایشان در قسمت‌هایی از اثر مذکور، انقلاب الجزایر و نظام سکونتگاهی، انقلاب چین و شهرها، اثرات تبعیض‌های نژادی مانند آپارتاید و شهر، خشونت‌های شهری و از همه مهم‌تر ناآرامی‌های شهری را مورد بحث قرار دادند. در این راستا، افروغ (۱۳۷۶) نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران» به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های فضایی در شهر پرداخته است که این امر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جنبش‌های شهری شناخته می‌شود.

صدیق سروستانی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی شورش‌های شهری» به این موضوع توجه کرده است که چه عواملی در مطالعه شورش‌ها و مبارزات شهری می‌تواند تأثیرگذار باشد. برای این بحث، مواردی مانند علل و عوامل شروع، دامنه و وسعت فراگیری، شدت و حدت بلوا، طول مدت دوام و ادامه اغتشاش و درنهایت علل و عوامل خاتمه آن عنوان گردید. چون بسیاری از شورش‌های شهری قرن بیستم در قالب جنگ چریکی انجام می‌شده،

لذا آثاری نیز در این خصوص به رشته تحریر در آمده است. ماریگلا (۱۳۴۸) در جزوه «جنگ چریکی شهری» به نکاتی بسیار ریز و دقیق در مورد جنگ چریکی، خصوصیات و ویژگی‌های یک چریک شهری، خصائل فردی آن، چگونگی زندگی چریک در شهر، آموزش‌های تاکتیکی و کار با اسلحه، ویژگی‌های جنگ چریکی و... پرداخته که در این جزوه مهم‌ترین بحث را می‌توان تقسیم‌بندی وی از شیوه‌های عملی چریک شهری دانست که شامل موارد ذیل می‌شود: حمله، نفوذ و یورش ناگهانی، اشغال، کمین و تله‌گذاری، تاکتیک‌های خیابانی، اعتصاب، ترک خدمت و مصادره اسلحه، مهمات و مواد منفجره، آزاد کردن زندانیان سیاسی، اعدام انقلابی، بازداشت انقلابی - آدم‌ربایی، خرابکاری، تروریسم، تبلیغ مسلحانه و جنگ روانی. شایان ذکر است که این اثر در بسیاری از کشورهای انقلابی از جمله در آمریکای لاتین و نیز در آسیا مورد توجه قرار گرفت که نمونه بارز آن در ایران بوده است؛ به این صورت که گروه‌های چپ و رادیکال ایرانی که تنها راه سقوط رژیم پهلوی را در مبارزه مسلحانه و چریکی خلاصه می‌کردند، از این اثر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع خود بهره می‌بردند. پیرامون این موضوع، نصیری زرقانی و دهقان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «عملکرد سازمان چریک‌های فدایی خلق علیه حکومت پهلوی در جنگ‌های چریکی شهری» به بررسی جنگ‌های چریکی شهری توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق در دوره پهلوی یعنی در قرن بیستم پرداختند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که سازمان مذکور در چهار شیوه عمل تهاجم، خرابکاری، اعدام انقلابی و تبلیغات مسلحانه به‌ویژه در اوایل دهه پنجاه به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت از جمله ۳ حمله و تهاجم، ۱۰ عملیات خرابکارانه و ۶ اعدام انقلابی موفق؛ که فداییان با استفاده تبلیغاتی از این پیروزی‌ها به‌وسیله اعلامیه، شعر، سرود، آثار هنری و... به ترویج مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم در شهرها می‌پرداختند.

ملاحظه می‌شود که آثاری که شرح آن‌ها آمد، همخوانی مستقیمی با نوشتار حاضر نداشته و از نظر موضوعی تنها می‌توانند بخش خاصی از تحقیق فعلی را تشکیل دهند. مبارزات شهری، تنها محدود به جنگ چریک شهری نمی‌شود و همانطور که خواهد آمد، جنگ چریکی فعالیت غالب مبارزات شهری در قرن بیستم بوده و پس از آن و در قرن بیست و یکم، شیوه‌های دیگری غیر از مبارزه مسلحانه مورد قبول واقع شد. همچنین، با دقت در آثار گذشته باید این نکته را یادآور شد که صرفاً عوامل اقتصادی - اجتماعی در شکل‌گیری شورش‌ها و مبارزات شهری مؤثر نیستند بلکه عوامل سیاسی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی مهم‌ترین نقش را در جریان مبارزات شهری ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، تأکید این تحقیق بر عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر تحول مبارزات شهری پس از قرن بیستم

می‌باشد؛ موضوعی که در هیچکدام از مطالعات پیشین که ذکر آن‌ها به میان آمد، اشاره‌ای نشده است. به همین جهت، در ادامه به بررسی این مباحث پرداخته خواهد شد.

چارچوب مفهومی

مفاهیم متعددی در این نوشتار مورد توجه هستند که بایستی پیش از ورود به بحث، معنا و مفهوم آن‌ها بررسی شود. در این میان، مکان، شهر و مبارزات شهری سه مفهوم اساسی بوده که محوریت کار را تشکیل می‌دهند. اما منظور از مکان یا شهر صرفاً معنای جغرافیایی و یا لغوی آن‌ها نیست، بلکه لازم است این مفاهیم در ارتباط با موضوع مقاله یعنی مبارزات شهری در نظر گرفته شوند و از آنجا که مبارزات شهری بیشتر ذیل فعالیت‌های سیاسی شهروندان مورد توجه قرار می‌گیرد، لذا مفاهیم سه‌گانه فوق‌الذکر با توجه به بُعد سیاسی آن‌ها مطالعه خواهد شد.

مکان

مکان از مفاهیم اساسی علم جغرافیاست و هر مکان دارای ویژگی‌ها و جایگاه منحصر بفردی برای خود می‌باشد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد. مکان بخشی از فضای جغرافیایی و بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی است که دارای بار معنایی و ارزشی می‌باشد. مکان جغرافیایی را می‌توان به انسان قیاس کرد که دارای دو بعد جسم و جان (روح) است. تفاوت‌های مکان‌ها تنها به ویژگی‌های فیزیکی و مختصات طبیعی آن‌ها نیست، بلکه ویژگی‌های انسانی، فرهنگی و تاریخی است که به هر مکانی هویت خاص خودش را می‌بخشد (پوراحمد، ۱۳۹۳: ۷۷). شکی نیست که مکان‌ها از نظر سیاسی نیز می‌توانند تأثیرپذیر باشند و هویت سیاسی به خود گیرند؛ به عبارتی دیگر یک مکان جغرافیایی با فعل و انفعالات سیاسی از یک مکان جغرافیایی صرف تبدیل به یک «مکان سیاسی» می‌شود. مکان تجلی‌گاه بروز بخشی از رفتار سیاسی است که در قالب موافقت و مخالفت نسبت به روندها و تصمیمات نمود می‌یابد. برخی مکان‌ها کارکرد راهبردی دارند و به کار ویژه جریان‌های سیاسی ماهیت ملی و بین‌المللی می‌بخشند (کاویانی‌راد و عزیزی‌کاوه، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

مکان به یک واحد از فضا مثل یک شهر، استان یا کشور اطلاق می‌شود و هر مکان شرایط خاصی دارد که کارکردهای متفاوتی نیز می‌تواند داشته باشد. مثلاً یک کالبد مسطح ممکن است از حیث ارتباطی، اقتصادی و سکونتگاهی دارای فرصت باشد درحالی‌که همان کالبد به لحاظ دفاعی، امنیتی یا اجتماعی دچار محدودیت گردد. یا دفاع و امنیت یک کالبد از دید نیروهای متخاصم دارای ارزش متفاوت باشد. مثلاً دفاع و امنیت یک کالبد کوهستانی یا جنگلی برای نیروهای دولتی امری مشکل و پردردسر و همراه با هزینه زیاد است درحالی‌که همان کالبد برای نیروهای چریکی

متخاصم و ضد دولت از ارزش بالا برخوردار بوده و قدرت مبارزه‌ای آن را با نیروهای دولتی افزایش می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۶۳). بنابراین برخی مکان‌ها دارای کارکردهای سیاسی هستند، برای مثال مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دورافتاده و دچار خلأ قدرت، زمینه هموردی قدرت‌ها و بازیگران سیاسی را فراهم می‌کنند؛ سیاهکل ایران پیش از انقلاب، افغانستان و سومالی برای القاعده علیه آمریکا از این دست به شمار می‌روند. به‌طور کلی نیروهای ضدحاکمیتی در همه کشورها از مکان‌ها و فضاهای دورافتاده که حکومت ناتوان از واپایش و چیرگی بر آن‌هاست علیه آن استفاده می‌کنند (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۹: ۶۶). لذا مکان اساسی‌ترین نقش را در چگونگی مبارزات جوامع ایفا می‌کند چراکه شهروندان و مردمان یک سرزمین، مکان‌های متفاوتی از قبیل شهر، روستا، کوهستان، جنگل و... را برای مبارزات مدنی و یا مسلحانه خود در نظر می‌گیرند که نمونه‌های مختلفی را از این قبیل می‌توان برشمرد از جمله مبارزات دهقانان و روستاییان در جریان انقلاب کمونیستی چین و یا مبارزات شهری در انقلاب برزیل.

شهر

برای جغرافیدانان، شهر فضای پویایی مملو از رفت‌وآمد و حرکت انسان‌ها است. علاوه بر این شهر فضای زیستی و سکونتی ویژه‌ای است که خانه‌های آن فشرده و بیشتر در ارتفاع ساخته می‌شود و یکی از وجوه تمایز آن با روستا همین است (فرید، ۱۳۸۸: ۳۷). پدید آمدن شهرها در یک مکان به دلایل سیاسی، اقتصادی و توانمندی‌های محیطی بوده اما توسعه و گسترش آن‌ها در طول زمان صورت گرفته و در هر دوره متناسب با جهت‌گیری حکومت‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، در جهات خاصی توسعه یافته‌اند و سیاست شهرسازی حکومت‌ها فرازونشیب‌های فراوانی به شهرها داده است (کمانداری، ۱۴۰۰: ۱۲۱) ژان گاتمن بر این باور است که سیاست در اصل برای مطالعه امور شهر بوده است. وی ریشه واژه پولیتیک^۱ را در واژه یونانی «پولیس^۲» به معنی شهر جستجو می‌کند و می‌گوید ارسطو کتاب سیاست خود را به بررسی چگونگی پیدایش شهرها اختصاص داده بود (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸). به عبارتی دقیق‌تر، سیاست از واژه پولیتیکوس^۳ لاتینی و پولیس یونانی به معنای شهر مشتق

¹ Politics

² Polis

³ Politicus

شده است. واژه پولیتیک در آغاز به معنای آنچه که مربوط به شهر و اداره آن بود به کار می‌رفت. پولیس به شهرهای یونان باستان اطلاق می‌شد که در آن مجموعه‌ای از انسان‌ها با حقوقی برابر زندگی می‌کردند (همان: ۴۶).

شهر از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند بسیار متفاوت باشد لذا تعریف آن آسان نیست و بستگی دارد که از چه نگاهی و از نظرگاه چه گرایش علمی به آن می‌نگریم. از دید سیاسی می‌توان گفت شهرها مرکز فعالیت‌های فرهنگی، بنگاه‌های اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی هستند. این تعریف موجب می‌شود پژوهشگران شهری متوجه مهم‌ترین ویژگی شهر که باعث تمایز شهر از دیگر مکان‌های سکونتگاهی می‌شود، بشوند و آن چیزی جز این نیست که شهرها جایگاه حساس حکومت و اداره کشور هستند. از این گذشته، شهرها مراکز مهم و حساس بافت اقتصادی جامعه هستند و محلی برای فعالیت‌های تولید، توزیع و مصرف می‌باشند (صفوی و گل‌کرمی، ۱۳۹۶: ۱۰).

حکومت‌ها، مرکز اصلی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی خود را در شهرها مستقر می‌کنند و این امر در تمامی کشورهای جهان صدق می‌کند. حساس‌ترین و کلیدی‌ترین فعالیت‌های دولتی در شهرها روی می‌دهد که در این میان پایتخت جایگاه قابل ملاحظه‌ای دارد. از سوی دیگر، بیشترین فعالیت‌های تجاری و اقتصادی و همچنین امکانات و خدمات در شهرها توزیع می‌گردد و این خود سبب مهاجرت‌های گسترده روستاشهری می‌شود و می‌تواند مشکلاتی را هم در نواحی روستایی و هم در نقاط شهری برای حکومت پدید آورد.

مبارزات شهری

مقصود از مبارزات شهری، فعالیت‌هایی است که از سوی شهروندان با نیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، برای رسیدن به خواسته‌ها و اهدافشان صورت می‌گیرد. از این رو، مبارزات شهری را می‌توان برحسب نیت و اهداف شهروندان که در جهت دستیابی به آن در تلاش‌اند، تقسیم‌بندی کرد:

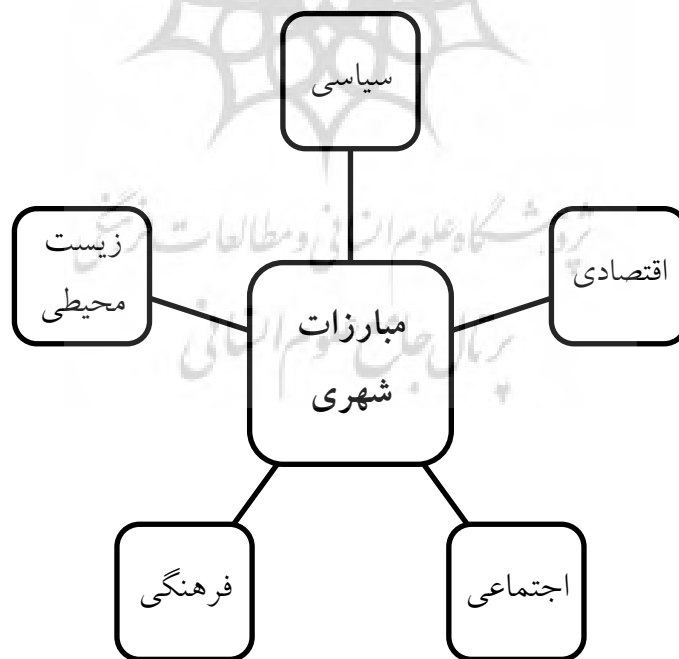
۱- اهداف سیاسی؛ شامل اعتراضات مردم به وضع موجود و تعارض با نظام حکومتی است. از جمله اعتراضات سیاسی برای سرنگونی حکومت‌ها که یکی از نمونه‌های بارز آن، فعالیت‌های مردم ایران در شهرهای مختلف در اثنای انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ می‌باشد.

۲- اهداف اقتصادی؛ شامل حرکت‌های جوامع و طبقات مختلف در راستای اعتراض به وضعیت اقتصادی، فقر، تبعیض‌ها، نابرابری و بی‌عدالتی می‌شود. جنبش‌های کارگری و اعتراضات معیشتی در این گروه جای می‌گیرند، مانند اعتراضات کشاورزان هندوستان علیه اصلاحات این کشور در بخش کشاورزی.

۳- اهداف اجتماعی؛ شامل جنبش‌ها و گروه‌های مدنی که در جهت رسیدن به خواسته‌های انسانی خود دست به فعالیت‌های مبارزاتی در قالب تظاهرات، اعتصابات، نوشتن نامه به مقامات کشوری، ایجاد کمپین و... می‌زنند. از جمله اعتراض به ایجاد سانسور و محدودیت آزادی مطبوعات که از نمونه‌های آن می‌توان به اعتصاب سراسری مطبوعات عصر پهلوی به فضای سانسور و خفقان و عدم آزادی قلم اشاره کرد. همچنین جنبش‌های زنان برای احقاق حقوق پایمال شده آن‌ها و یا راهپیمایی همجنس‌گرایان در کشورهای مغرب‌زمین، یکی از مهم‌ترین نوع مبارزات است که در گروه اهداف اجتماعی قرار می‌گیرد.

۴- اهداف فرهنگی؛ شامل اعتراض به سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده از سوی حاکمیت کشورها می‌شود. مانند تبعیض‌های نژادی به‌ویژه تظاهرات‌های ضد نژادپرستی در ایالات متحده آمریکا.

۵- اهداف زیست‌محیطی؛ شامل بیان نارضایتی از سیاست‌های زیست‌محیطی کشورها و بازیگران بین‌المللی به‌ویژه واحدهای سیاسی صنعتی و پیشرفته که بیشترین سهم را در آلودگی‌های محیط‌زیستی و ایجاد گرمایش زمین دارند. از مهم‌ترین نمونه‌های این مورد می‌توان به سلسله راهپیمایی‌های طرفداران محیط‌زیست در اعتراض به تغییر اقلیم و گرمایش جهانی، تخریب لایه ازن، افزایش گازهای گلخانه‌ای، آلودگی آب‌ها و... اشاره کرد.



شکل ۱: انواع مبارزات شهری (ترسیم: آ. نصیری زرقانی، ۱۴۰۱)

اما آنچه که از تقسیم‌بندی بالا بیشترین تکرار شونده‌گی و پراکندگی را در سطح جهانی دارد، نابرابری‌های اجتماعی و بی‌عدالتی است. نابرابری اجتماعی تصدی موقیعت‌های نابرابر اجتماعی و ساختاری دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد و گروه‌هاست که به نوبه خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات آن‌ها اثر تعیین‌کننده دارد (افروغ، ۱۳۷۶: ۱۹۱). همین عوامل سبب بوجود آمدن شورش‌های شهری می‌گردد که ممکن است آغاز آن در محلات دورافتاده و فراموش شده باشد. شورش‌ها، اغلب از یک حادثه بدون پیشینه یا با پیشینه و یا از یک تجمع کوچک چند نفره و حتی در یک گوشه دورافتاده شهر، آغاز می‌شوند؛ اما با سرعتی باورنکردنی تغییر ماهیت داده و به یک بلوای صدها یا هزاران نفری، که خود را در مرکز یا مراکز اصلی شهر متمرکز کرده، تبدیل می‌شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۱۲).

پس مبرهن شد که ناآرامی‌های شهری از محلات ویژه‌ای آغاز می‌شود و غالباً به وسیله کارگران روزمزد و مهاجرین فاقد تخصص گسترش می‌یابد. در اغلب شهرهای دنیا، علل ناآرامی‌ها را می‌توان در عوامل زیر جستجو کرد:

۱- رکود اقتصادی: تعطیلی و یا جابه‌جایی پاره‌ای از کارخانه‌ها و شرکت‌ها از داخل شهرها به شرکت‌ها و حومه‌های دور دست، کاهش شغلی در شهرها به وجود می‌آورد. از طرفی سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنایع و شرکت‌ها در مجاورت محل‌های کاهش شغلی صورت نمی‌گیرد.

۲- شرایط نامطلوب اجتماعی: تراکم شدید بیکاران از مشخصات محلات عقب‌مانده شهری است. این قبیل محلات زمینه‌های مساعدی جهت ظهور بحران‌ها و نارضایتی‌ها فراهم می‌آورد.

۳- اقلیت‌های قومی: شرایط نامطلوب زندگی، بیکاری و فقر همواره حاکم بر اقلیت‌های قومی در شهرهاست. این عده سخت‌ترین مشاغل و بدترین واحدهای مسکونی را دارا می‌باشند (شکویی، ۱۳۶۵: ۱۰۶).

من حیث المجموع عوامل زیر را می‌توان بر شکل‌گیری شورش‌های شهری مؤثر دانست:

۱. عوامل اجتماعی: عوامل اجتماعی زیادی وجود دارد که می‌تواند زمینه بروز آشوب‌های شهری را فراهم کنند که مهم‌ترین آن‌ها تفاوت‌های مذهبی، نژادی، قومی و زبانی و تحریک‌های عصبی به هنگام شرکت در جشن‌ها و مسابقه‌های ورزشی باشد.

۲. عوامل اقتصادی: نابرابری و وجود تبعیض در فرصت‌ها و امکانات شهری که سبب بروز فقر و تضاد و فاصله طبقاتی در ساخت، عناصر و باشندگان شهری می‌شود، می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی در فضای شهری شود.

۳. عوامل طبیعی و انسانی: پس از بروز بلایا زمینه مناسبی برای ایجاد شورش‌های شهری فراهم می‌شود و بعضی گروه‌ها به‌خاطر شرایط پیش‌آمده می‌توانند نیت خود را عملی و زمینه شورش را فراهم نمایند.

۴. عوامل سیاسی: گروه‌های سیاسی و احزاب مردمی می‌توانند به‌خاطر اختلاف با سیاست‌های نظام سیاسی حاکم دست به برقراری تظاهرات و اعتصاب‌های خیابانی بزنند و سعی در مختل نمودن امنیت جامعه کنند (صفوی و گل‌کرمی، ۱۳۹۶: ۲۹۷-۲۹۶).

شیوه مبارزات شهری در قرن بیستم

جنبش‌های اجتماعی غالباً پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی، در عرصه جهانی و در درون دولت‌ها ظهور کردند. جنبش‌هایی نظیر جنبش کارگری، دانشجویی، رهایی‌بخش ملی، حقوق مدنی، صلح‌طلبی، جنبش زنان، گروه‌های سبز، گروه‌های استقلال‌طلب منطقه‌ای، جنبش‌های اصول‌گرا، جنبش‌های دموکراتیک توده‌ای در اروپای شرقی و کشورهای تازه استقلال‌یافته، همگی خواهان جایگزین شیوه تفکر و قواعد اخلاقی و هنجاری جدید بودند. برخی از این جنبش‌ها براساس تئوری‌های مارکسیستی بنا شده‌اند و برخی دیگر متکی بر تعامل‌گرایی نمادین هستند که علت بروز جنبش را به نوع درک متقابل افراد از یکدیگر نسبت می‌دهند (افروغ، ۱۳۷۹: ۲۷۵).

اغلب جنبش‌هایی که ذکر شد مانند جنبش کارگری، در محیط‌های شهری فعالیت‌های خود را پیش می‌بردند و بیشترین نوع مبارزات شهری در قرن بیستم را جنگ‌های چریکی تشکیل می‌داد. توجه به شهر به‌عنوان مرکز ثقل فعالیت‌های چریکی بر این تحلیل مارکسیستی استوار است که در شرایط سرمایه‌داری قلب جامعه و نیروی اصلی محرک انقلاب، طبقه کارگر در شهر است. اما این فعالیت‌ها تنها محدود به شهر نبود بلکه گروه‌هایی معتقد به اصالت مبارزه در روستا بودند. تفاوت عمده معتقدان به جنگ چریکی شهری و روستایی در این است که تئورسین‌های جنگ چریکی شهری، شهر را قبرستان چریک‌ها نمی‌دانند و مفهوم کانون شورش را از کوه و جنگل به خیابان‌های شهر و خانه‌های تیمی منتقل کردند (حسنی، ۱۳۸۸: ۲۲) درمقابل کسانی که معتقد به جنگ چریکی

در روستا بودند عقیده داشتند که جنبش در روستا توده‌ای می‌شود و معنای راستین خود را پیدا می‌کند. این امر را در جنبش‌های مسلحانه ایران عصر پهلوی نیز شاهد هستیم.

علل مختلفی وجود داشت که در مکان‌گزینی‌های جنبش مسلحانه آن روزگار، نقاط شهری را به‌عنوان مرکز فعالیت‌ها انتخاب می‌کردند. محیط شهری این پتانسیل را دارد که چریک در آن به سهولت بتواند استتار کند و به فعالیت‌های پارتیزانی مانند «حملات ناگهانی»، «بزن و فرار کن»، «تله و کمین انداختن»، «ترور»، «اعدام انقلابی»، «تبلیغ مسلحانه»، «جنگ روانی» و... مبادرت ورزد؛ به عبارتی دیگر، ویژگی‌های کالبدی - فضایی شهرها میدان عمل مناسبی را برای چریک مهیا می‌کرد و چریک می‌توانست از این موقعیت برای مقاصد خود بهره ببرد. از سوی دیگر شهر به‌علت وجود تراکم فضای انسانی و ازدحام جمعیتی بالا، بستر مناسبی را جهت جنگ و گریز شهری به چریک می‌داد و این امکان را فراهم می‌کرد که مبارزین با ریسک نسبتاً پایین دستگیری از سوی نیروهای انتظامی، عملیات‌های مقطعی و ناگهانی را سازماندهی کنند (نصیری زرقانی و دهقان، ۱۴۰۰: ۱۱۹).

می‌دانیم که اغلب جنبش‌های مسلحانه قرن بیستم متأثر از عقاید مارکسیستی بودند و عقاید کارل مارکس نیز اثر فوق‌العاده‌ای بر توسعه واقعی تاریخ و جغرافیا در قرون ۱۹ و ۲۰ داشته است. نوشته‌های مارکس هنوز در سراسر جهان خوانده می‌شود. این نوشته‌ها رویه‌ای انقلابی را مشخص کرده‌اند و به زندگی میلیون‌ها نفر شکل داده‌اند (بلانت و ویلس، ۱۳۸۷: ۸۶). نخستین قیام مسلحانه قرن بیستم را انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به نام خود ثبت کرد. این انقلاب علاوه بر این کشور، سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و بر مبانی و تاکتیک‌های قیام‌های بعدی در کشورهای گوناگون اثر گذاشت. اوج مبارزات قهرآمیز قرن بیستم در اوآن نیمه دوم آن روی داد که از شرقی‌ترین نقاط آسیا تا غربی‌ترین نقاط قاره آمریکا را دربرگرفت؛ قیام‌هایی که به‌واسطه تأثیرپذیری از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، بیش از هر چیزی از مارکسیسم ملهم بود. با پیروزی مبارزات مارکسیستی - لنینیستی در چین، این جبهه قدرتی مضاعف یافت و از آن پس بسیاری از مبارزات مارکسیستی و عمدتاً چریکی از حمایت مشترک شوروی و چین بهره‌مند بودند. این مبارزات که در کشورهای مختلف از جمله قبرس، ویتنام، اندونزی، الجزایر، کامبوج، کوبا و تایلند روی داد، خالی از دستاورد نبود (صدرشیرازی، ۱۳۹۵: ۲۴).

جنگ چریکی فعالیت غالب در جنبش‌ها و مبارزات شهری قرن بیستم بوده است، لذا بایستی به جنگ چریکی شهری بیشتر پردازیم؛ چراکه هنگام مطالعه تغییر نوع مبارزات در قرن بیست‌ویکم لازم است که شیوه مبارزات شهری پیشین بهتر درک شود.

اصطلاح جنگ چریکی در طول جنگ‌های ناپلئونی وارد فرهنگ لغت مدرن شد. این نوع از جنگ، به معنای روشی است که توسط گروه‌های کوچکی از افراد به‌طور نامنظم انجام می‌شود. هدف استراتژی چریکی کنترل قلمرو نیست؛

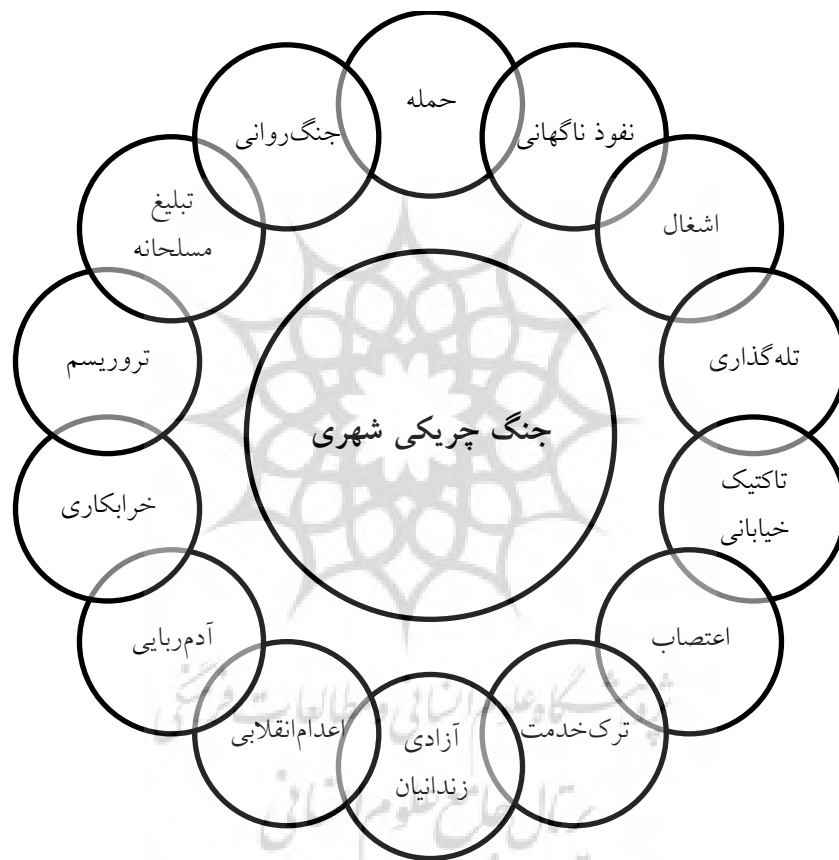
بلکه عملیات ضربه، فرار و کمین برای از بین بردن کنترل دولت بر قلمرو و جمعیت و به‌طور کلی حاکمیت انجام می‌شود. نیازهای تسلیحاتی چریک‌ها به سلاح‌های سبک محدود می‌شود بنابراین، جنگ چریکی نسبتاً ارزان می‌باشد، اگرچه مقابله با آن برای دولت بسیار هزینه‌بر است. هدف چریک‌ها تحمیل هزینه‌هایی به دشمن از نظر از دست دادن سربازان، تدارکات، زیرساخت‌ها و آرامش خاطر است (Kalyanaraman, 2003: 173). جنگ‌های نامنظم با توجه به موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی و در زمان‌های مناسب صورت می‌گرفته است. همه نظریه‌پردازان و مفسران جنگ‌های چریکی بر اهمیت عوامل جغرافیایی در تعیین نتیجه تأکید ورزیده‌اند. این مسئله متضمن به‌کارگیری وسیع ویژگی‌ها و عوارض مختلف زمین است. به‌طور کلی اهمیت کاربردی جغرافیا برای تضمین موفقیت عملیات، ضروری پیش‌بینی شده است. آنچه از اسناد عملیات پارتیزانی به دست آمده، نشان می‌دهد که پارتیزان‌ها موفقیت‌های خود را عموماً مرهون تحرک‌پذیری و استفاده درست از عوامل جغرافیایی و هم‌فکری و همدردی با مردم غیرنظامی، که به‌عنوان ابزارهای حمایتی از آنان نام برده‌اند، می‌دانسته‌اند (عزتی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۶).

چریک باید از نزدیک با زمینی که در آن فعالیت می‌کند آشنا باشد. آنچه که اهمیت دارد، دانستن هر راهی است که یک چریک می‌تواند از آن استفاده کند، هر مکانی که می‌تواند مخفی شود و دشمن را در گمراهی خود رها کند. چریک‌های شهری اگر زمین را خوب بشناسند، می‌توانند به راحتی از دست پلیس فرار کنند یا آن‌ها را در یک تله یا کمین غافلگیر کنند (Williams, 1989: 8). بن‌بست‌ها و نقاط باریک، تنگه‌ها، خیابان‌های در حال تعمیر، نقاط تحت کنترل پلیس، مناطق نظامی و خیابان‌های بسته، ورودی و خروجی تونل‌ها و راه‌هایی که دشمن می‌تواند آن‌ها را ببندد، معابر فرعی و... همه این‌ها باید به‌طور کامل شناخته و مطالعه شوند تا از خطاهای مهلک جلوگیری گردد (Marighella, 2008: 26).

چریک شهری یک هدف سیاسی را دنبال می‌کند و فقط به دولت، سرمایه‌داران بزرگ و امپریالیست‌های خارجی، به ویژه آمریکایی‌های شمالی حمله می‌کند. چریک شهری دشمن سرسخت دولت است و به‌طور سیستماتیک به مقامات و مردانی که بر کشور تسلط دارند و اعمال قدرت می‌کنند آسیب وارد می‌کند. وظیفه اصلی چریک‌های شهری منحرف کردن، فرسودگی، تضعیف روحیه نظامی‌ها، دیکتاتوری نظامی و نیروهای سرکوبگر آن و همچنین حمله و نابودی ثروت و دارایی نهادها و نیروهای امپریالیستی است، لذا یک چریک بایستی ثروت سرمایه‌داران بزرگ را به نفع جبهه خود مصادره کند (Ibid: 20).

شیوه‌های عملی چریک شهری شامل موارد زیر می‌شود:

(۱) حمله، (۲) نفوذ و یورش ناگهانی، (۳) اشغال، (۴) کمین و تله‌گذاری، (۵) تاکتیک‌های خیابانی، (۶) اعتصاب، (۷) ترک خدمت و مصادره اسلحه، مهمات و مواد منفجره، (۸) آزاد کردن زندانیان سیاسی، (۹) اعدام انقلابی، (۱۰) بازداشت انقلابی-آدم‌ربایی، (۱۱) خرابکاری، (۱۲) تروریسم، (۱۳) تبلیغ مسلحانه، (۱۴) جنگ روانی (ماریگلا، ۱۳۴۸: ۳۱).



شکل ۲: شیوه‌های عمل در جنگ چریکی شهری (ترسیم: آ. نصیری زرقانی، ۱۴۰۱).

در دو دهه پس از انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹، جاذبه جنگ انقلابی بسیاری از رادیکال‌های جوان آمریکای لاتین را که از اصلاح‌طلبی احزاب سنتی چپ سرخورده بودند، به سوی خود کشاند. استراتژی چریک‌های شهری خود در اواخر دهه ۱۹۶۰ پس از مرگ چه‌گوارا در بولیوی و تعدادی از شکست‌های چریک‌های روستایی در سال ۱۹۶۷ رایج شد و به زودی تأثیری زیادی در صفوف چریک‌ها گذاشت (Gillespie, 1980: 39).

نکته اینکه «جنگ چریکی شهری» را نباید با «تروریسم» اشتباه گرفت، به خصوص زمانی که اصطلاح اخیر به عنوان یک واژه تحقیرآمیز عمل می‌کند. به بهترین وجه می‌توان آن را به عنوان «شکلی از جنگ غیرمعارف که در مناطق شهری یا حومه شهر برای اهداف سیاسی به راه انداخته می‌شود» تعریف کرد و با تروریسم سیاسی از طریق تبعیض‌آمیزتر و قابل پیش‌بینی‌تر بودن در استفاده از خشونت متفاوت است (Ibid: 40). لذا حرکت قهرآمیز به معنی یک ترور سیاسی نیست؛ اگر یک ترور سیاسی بتواند برای مدتی کوتاه، محیط سیاسی جامعه را برهم زند، در آن صورت چنانچه جنبش فاقد آنچنان سازمان‌های انقلابی باشد که نتواند با تکیه بر قدرت اسلحه و جنگ چریکی از محیط بهره‌برداری کند، خواه ناخواه نیروی متشکل اسلحه همچنان در دست دولت می‌باشد و دوباره تسلط خود را تحمیل خواهد کرد (جزئی، ۱۳۴۶: ۴۵).

البته شهر به تنهایی برای چریک محیطی ایده‌آل نیست، بلکه سرزمین‌های کوهستانی با صخره و غار و یا اراضی باتلاقی یا مزروعی و جنگل‌ها همه و همه به نفع چریک هستند. برای کمونیست‌های چین تپه‌های کیانگری، برای شورشیان یونان کوهستان‌های شمالی و برای کاسترو در کوبا منطقه کوهستانی سیرا ماسترا، مزارع برنج‌کاری در تونگین (هندوچین) و جنگل‌های مالایا، همه جایگاه‌های مناسب برای چریک‌های انقلابی بودند (اشجعی، ۱۳۶۹: ۴۸). به عبارت دیگر، جنگ‌های چریکی فقط مختص به محیط‌های شهری نبود و در نواحی خارج از شهر به‌ویژه روستا و کوهستان نمود عینی داشت اما با این‌همه چون حکومت‌ها تمامی اقتدار خود را در شهر به نمایش می‌گذاشتند و اصلی‌ترین فعالیت‌های حاکمیت در نقاط شهری به منصفه ظهور می‌رسید، به همین جهت شهر بیش از بیرون آن مورد توجه مخالفین قرار می‌گرفت.

شیوه مبارزات شهری در قرن بیست و یکم

مبارزات شهری در قرن بیست و یکم تفاوت‌های زیادی با این‌گونه از مبارزات در قرن بیستم داشت. همانطور که شرح مبارزات سده بیستم آمد، بیشتر فعالان سیاسی که شهر را برای انجام فعالیت انتخاب می‌کردند به نبردهای چریکی روی آورده بودند. اما آنچه که در قرن بیست و یکم شاهد آن هستیم، بیشتر مبارزات مسالمت‌آمیز و با درون‌مایه و مضامین اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی است در صورتی که پیش از آن عوامل سیاسی - اقتصادی و ایدئولوژیکی بیشترین نقش را در شکل‌گیری جریان‌های شهری داشتند، اما باید اذعان کرد که عوامل پیشین به‌ویژه اقتصاد و نارضایتی‌های معیشتی همچنان باعث ایجاد شورش‌ها و مبارزات مختلف در سراسر گیتی شده است.

سؤال اصلی تحقیق کنونی این بود که چه عواملی بر تحول شیوه‌های مبارزه شهری پس از سده بیستم نقش داشته‌اند؟ لذا هدف این است که دریابیم از منظر ژئوپلیتیکی چه عواملی در این مهم نقش مستقیمی داشته‌اند. به همین جهت، در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

عوامل مؤثر بر تحول شیوه مبارزات شهری قرن بیست و یکم

طبق تحقیقات و مطالعات انجام شده، سه رخداد و پدیده اساسی‌ترین نقش را در تحول مبارزات شهری داشته‌اند که به ترتیب اهمیت عبارتند از فروپاشی نظام دوقطبی، جهانی شدن و غلبه رویکرد ضد ژئوپلیتیکی.



شکل ۳: عوامل مؤثر بر تحول مبارزات شهری پس از سده بیستم (ترسیم: آ. نصیری زرقانی، ۱۴۰۱)

فروپاشی نظام دوقطبی

از میان سه رویداد و عاملی که ذکر شد، مهم‌ترین آن مربوط به فروپاشی نظام دوقطبی می‌شود. همانطور که می‌دانیم، جهان قرن بیستم به دو بلوک عمده شرق و غرب تقسیم می‌شد و کشورهای بلوک غرب در رأس آن ایالات متحده آمریکا، نظام سرمایه‌داری را ترویج می‌کردند و کشورهای بلوک شرق در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی، مروج

اندیشه‌های مارکسیستی بودند. در بسیاری از این ممالک، طرفداران اندیشه‌های مارکسیسم بر ضد حاکمیت کشور خود و نظام سرمایه‌داری قیام کرده بودند و حتی در نهایت موفق شدند که قدرت را به دست گیرند، مهم‌ترین نمونه آن را می‌توان کوبا قلمداد کرد. این نشان از آن دارد که کمونیسم به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین فلسفه‌های زنده آن روزگار دارای اهمیت بود. اما فروپاشی شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، نشان از آن داشت که دیگر این فلسفه سیاسی - اقتصادی از درجه اعتبار پیشین خود افتاده و دیگر نمی‌تواند توده‌ها را بسیج نماید.

تقسیم جهان ژئوپلیتیکی پس از جنگ جهان‌گیر دوم میان دو بلوک غرب کاپیتالیستی و شرق کمونیستی به رهبری دو ابرقدرت آمریکایی و شوروی در آن دوران، اوج کژروی نظام جهانی و دور شدنش از شرایط انسانی محیط سیاسی مستقل محسوب می‌شد. این دوره از دید ژئواستراتژیکی به این دلیل به دوران صلح مسلح یا جنگ سرد معروف شد که طی آن جنگ گرم (جنگ جهانی دوم) جای خود را به رقابت‌های تسلیحاتی گسترده میان دو بلوک شرق و غرب داد. این وضعیت ژئواستراتژیک شکننده، ملت‌های جهان را به اجبار در تنگنای ژئوپلیتیکی ویژه‌ای دچار ساخت که هر یک برای بقای خود ناچار بود با یکی از دو قطب آمریکا یا شوروی کنار آید و در بلوک ژئوپلیتیکی ویژه آن ابرقدرت جای گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۷: ۱۵۶). در سال‌های آخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و به‌خصوص بعد از روی کار آمدن گورباچف در شوروی مقدمات یکی از بزرگترین سوانح تاریخ معاصر بشر به تدریج فراهم گردید و آن فروپاشی قطعی نظام کمونیسم است که اساس و بنیان اقتصادی اجتماعی شوروی را برای مدتی در حدود ۷۰ سال تشکیل می‌داد. کمونیسم به‌صورتی که کارل مارکس و همفکرانش بنیانگذاری فکری کرده بودند و بعد از آن‌ها لنین و رفقاییش در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به مرحله عمل گذارده بودند و استالین و جانشینان او در سطح جهانی اشاعه و اجرا می‌کردند بر این ایدئولوژی استوار بود که نهایتاً به‌صورت یک نظام جهانی سراسر عالم را فراگیرد، ولی تجربه ۷۰ ساله شوروی و مقاومت‌های سرسختی که جهان خارج شوروی براساس سنت‌های ریشه‌دار حکومتی اجتماعی از خود نشان می‌داد کار را به این‌جا کشاند که اردوگاه شرقی به کلی فرو ریخت و خاکریزهای ایدئولوژی آن با از هم پاشیده شدن منطقه نفوذ در اروپای شرقی و حتی در داخل جمهوری‌های شوروی از میان برداشته شد (ترکان، ۱۳۷۷: ۵۹).

در دوران اوج فلسفه مارکسیسم و اقتدار شوروی، جنبش‌های مسلحانه بسیاری در نقاط مختلف گیتی تحت تأثیر کشور شوروی قرار گرفتند و سعی داشتند نظم موجود را به چالش کشیده و در نهایت کشور را با انقلابی همچون انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ تحت سیطره خود درآورند. بعد از انقلاب چین به رهبری مائو، این کشور نیز به‌عنوان یک

الگوی پیشتاز در انقلاب درآمد و سایر کشورها از آن تأثیر پذیرفتند. به سخن ساده‌تر می‌توان گفت که اکثریت طلایه‌داران جنبش‌های مسلحانه در سراسر جهان تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی قرار داشتند و دو کشور شوروی و چین را الگوی خود برای تشکیل حکومت جدید در نظر می‌گرفتند تا به یک جامعه بی‌طبقه دست یابند. اما با پایان جنگ سرد و از میان رفتن اتحاد جماهیر شوروی که الگوی آغازین و مهم کشورهای بلوک شرق و سایر جنبش‌های آزادی‌بخش و چریکی بود، رفته‌رفته عمر این جنبش‌ها به سر آمد و اغلب گروه‌های سیاسی از مشی چریکی دست کشیدند.

جهانی‌شدن

جهانی‌شدن یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که در اواخر قرن بیستم گسترش چشم‌گیری یافت. بسیاری از جنبش‌های طرفدار محیط‌زیست و همچنین احترام به حقوق فرهنگ‌های گوناگون را می‌توان ناشی از جهانی‌شدن دانست.

در دهه‌های گذشته، شاهد شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی نوین بسیاری بوده‌ایم، از جمله جنبش فمینیسم، جنبش حمایت از محیط‌زیست، حقوق همجنس‌بازان، حقوق بومیان و جنبش ضدنژادپرستی. جغرافیدانان عقیده بر این دارند که شبکه‌های اقتصادی جهانی، افراد را از قالب فرهنگ‌ها، تاریخ‌ها و مناطقشان بیرون کشیده است (مورای، ۱۳۸۸: ۲۶۷). تمامی این جنبش‌های اجتماعی که ذکرشان به میان آمد در شهرها بیشترین نقش را داشته‌اند؛ راهپیمایی‌ها و تظاهرات در میدانی اصلی شهرها توسط گروه‌های فمینیست، حمایت از محیط‌زیست، اعتراضات علیه نژادپرستی و... همگی نشان از تأثیر جهانی‌شدن در مبارزات شهری داشته است.

جهانی‌شدن همان‌طور که از نام آن مشخص است به ارتباطات و تعاملات فرامرزی اشاره دارد که در مقیاس جهانی انجام می‌شود. جهانی‌شدن حاصل فرآیندهای همگرایی و یکپارچگی بین‌المللی است که در پی تحول در دیدگاه جهانی تولید و سرمایه و در بستر توسعه حمل‌ونقل و فناوری‌های ارتباطی ایجاد شده و هم‌زمان نیروهایی را در برخی مکان‌ها علیه این فرآیند فعال کرده است (ویسی، ۱۳۹۴: ۲۳۳). طرح گزاره‌هایی همانند «پایان جغرافیا و کشور ملت‌ها»، «جهان هموار (مسطح)» از توماس فریدمن، «دهکده جهانی» از مک لوهان و «همگرایی زمان - فضا»، «سایش فاصله»، «فرآیندگی کنش متقابل مکان‌ها» و «همگونی مکان‌ها» گواه نقش ویژه و فزاینده فناوری

اطلاعات و ارتباطات در کاهش اهمیت فاصله، بعد مسافت یا فاصله کالبدی مکان‌ها و فزاینده‌گی مناسبات فضایی به‌عنوان عنصری جغرافیایی است (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۹: ۲۰۲).

آنچه مسلم است جهانی‌شدن برخلاف دیدگاه‌های رایج که فقط روی موضوع‌های اقتصادی تکیه می‌کند، دیگر موضوعات از جمله سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، منابع و محیط را هم دربرمی‌گیرد و هریک از این موضوعات دچار تغییر و تحولاتی اساسی خواهند شد (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). جهانی‌شدن موجب ورود بازیگران جدید سیاسی به عرصه داخلی و بین‌المللی و تغییر موقعیت و ویژگی‌های برخی از بازیگران قدیمی و سنتی در این عرصه‌ها شده است که این امر قدرت تحرک انحصاری حکومت‌ها را به چالش کشیده است. این بازیگران جدید هم در بعد درون حکومتی به معنی ظهور گروه‌ها و نهادهای قومی، منطقه‌ای و... و هم در بعد فراملی به معنای ایجاد سازمان فراملی بین حکومتی و سازمان‌های بین‌المللی غیرحکومتی هستند. نکته‌ای که اهمیت این بازیگران جدید را دوچندان می‌سازد، رشد بی‌سابقه سازمان‌های مختلف نوین، به‌ویژه سازمان‌های فراملی، در سال‌های آخر قرن بیستم و سال‌های نخستین سده بیست‌ویکم است (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

آنچه موجب اهمیت جهانی‌شدن در این بحث می‌شود، تأثیرپذیری شهر از آن است. درک نقطه اشتراک بین جهانی‌شدن و شهرنشینی بر پژوهش‌های جدید شهری سایه افکننده است. مدت زمانی طولانی است که عوامل خارجی بر شهرها تأثیر گذاشته‌اند. هنوز مقیاس جغرافیایی علل، فرآیندها و پیامدهای تغییرات شهری به‌طور روزافزونی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، فراملیتی هستند. حقیقت آن است که بسیاری از شهرهای بزرگ، علیرغم سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی مشخص، در حال تجربه تغییرات یکسان اقتصادی، فرهنگی و فضایی هستند که در رأس پژوهش‌های جهانی‌شدن شهرنشینی قرار گرفته‌اند (کیم و شورت، ۱۳۸۹: ۱۱۵). جهانی‌شدن در شهرها خصوصاً در کلان‌شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. نظام‌های جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه جهانی شهرها شکل می‌گیرد. تغییرات جهانی اقتصاد، فرهنگ و سیاست اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد (شورت و کیم، ۱۳۸۴: ۱۳).

یکی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی‌شدن، پیشرفت و گسترش ارتباطات بوده است که نقش غیرقابل انکاری را بر زندگی روزمره انسان‌ها دارد. فضای مجازی و به‌وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی باعث شده که کاربران این فضا، راه‌های نوینی را برای مبارزات خود و بیان اعتراضات انتخاب کنند. حتی این موضوع باعث شده تا دولت‌های متخاصم علیه یکدیگر دست به جنگ نرم بزنند و از این طریق هجمه‌هایی را علیه رقبا و دشمنان خود ایجاد کنند.

برای این منظور مخالفان حتی دست به حملات سایبری و هک کردن پایگاه‌های معتبر دولتی می‌زنند که البته موضوعی علی‌حده است. اما درمورد کنش‌ها و واکنش‌های جمعی مردم و شهروندان جهت دستیابی به خواسته‌ها و اهدافشان می‌توان گفت که در بسیاری موارد مردمان ترجیح می‌دهند نظرات، انتقادات و اعتراضات خود را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به گوش جهانیان برسانند. این امر بیانگر تغییری شگرف در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شهروندان است که تحقیقی مجزا را می‌طلبد. اما درمورد مبارزات و فعالیت‌هایی که در فضای شهری و در محیطی عینی رخ می‌دهد باید گفت که جهانی‌شدن باعث شده که موضوعات گوناگونی که شاید پیش‌تر مطرح نبود و یا برای مردم و اذهان عمومی اهمیت قابل ملاحظه‌ای نداشت، به‌طور جدی مطرح شود و به مسئله روز جهانی تبدیل شود. به‌عنوان نمونه گردهمایی‌ها و اجتماعاتی در حمایت از زمین و محیط‌زیست و جلوگیری از سیاست‌های جهانی تغییر اقلیم و گرمایش جهانی که در بسیاری از کشورهای اروپایی برگزار می‌شود. پرواضح است که این‌گونه تظاهرات‌ها کاملاً به دور از خشونت و به‌صورت مسالمت‌آمیز شکل می‌گیرد چراکه درون‌مایه بسیاری از این خواسته‌ها به مسائل زیست‌محیطی و یا اجتماعی بازمی‌گردد، لذا الگوی مبارزاتی نیز بدون شک نمی‌تواند همچون قرن بیستم جنگ مسلحانه باشد.

غلبه رویکرد ضد ژئوپلیتیکی

در این دوران، در جهان ژئوپلیتیک، دیدگاهی مطرح شد که وقایع و جنبش‌های مبارزاتی را تحت‌تأثیر قرار داد و آن رویکرد ضد ژئوپلیتیکی بود. ضد ژئوپلیتیک، موقعیت‌هایی که از درون جوامع، سلطه ارتش، سیاست، فرهنگ و اقتصاد دولت و طبقه متوسط آن را به چالش می‌کشد و به تعبیر پاول روتلج^۱، ژئوپلیتیک از پایین نامیده می‌شود زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌نماید که مملو از مبارزات ضد سلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروی جبار دولت‌ها در سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها می‌باشد. ژئوپلیتیک مقاومت یا به تعبیر روتلج «ضد ژئوپلیتیک» یا «ژئوپلیتیک از پایین» از دید وی عبارتست از نیروی فرهنگی، سیاسی و اخلاقی در درون یک جامعه مدنی که از عقیده یکسان‌نگری منافع موردنظر طبقه سیاسی مسلط دولتی با منافع عموم مردم را به چالش می‌کشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۷۳).

¹ Paul Routledge

ضد ژئوپلیتیک می‌تواند هزاران شکل به خود بگیرد، که از گفتمان‌های متضاد روشنفکران ناراضی گرفته تا استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنبش‌های اجتماعی. در پایان جنگ جهانی دوم، جهان براساس نظم سیاسی دوقطبی که وجه مشخصه آن رقابت ژئوپلیتیکی، نظامی و ایدئولوژیکی بین آمریکا و شوروی بود، تغییر شکل داد. جهان سوم به زودی به صورت میدان رقابتی درآمد که ابرقدرت‌ها نوعی کشمکش ایدئولوژیک را برای ملت‌ها و افکار مردم غیرغربی که در حال آزادسازی خود از چنگال استعمار بودند عرضه کردند (لطفی و امیری، ۱۳۹۹: ۱۱۸). علاوه بر این، استراتژی مقاومت بدون خشونت یکی از جنبه‌های ضد ژئوپلیتیک است که توسط اندیشمندان تشریح شده و مورد توجه قرار گرفته است.

ضد ژئوپلیتیک از قدرت متمرکز دولت تمرکززدایی نموده و به تعبیر فوکو، قدرت را نباید تنها در تملک طبقه یا دولت و یا فرمانروایی خاص جستجو نمود. حوزه جغرافیایی و میدان عمل ضد ژئوپلیتیک تابعی از ژئوپلیتیک است. ضد ژئوپلیتیک هم در داخل مرزهای دولت عمل می‌کند و هم فراتر از مرزها می‌رود. در حوزه عناصر مادی، اشکال مقاومت به خصوص در ژئوپلیتیک جنگ سرد عبارت بود از جنبش‌های دهقانی در مناطق مختلف از جمله در آمریکای لاتین و مرکزی و سایر مناطق جهان. هدف اصلی این جنبش‌ها به چالش کشاندن رژیم‌های اقتدارطلب و کاهش فقر بود. در دوره جنگ سرد جنبش‌های ضدژئوپلیتیکی متعددی در اروپا و سایر مناطق جهان شکل گرفت که بنیادهای معرفتی ژئوپلیتیک ایدئولوژیکی را به چالش کشاند (مرادی و افضلی، ۱۳۹۲: ۲۵۷). می‌توان این گونه برداشت کرد که ضد ژئوپلیتیک در دوران جنگ سرد شکل گرفت و در مقابل ژئوپلیتیک ایدئولوژیک قد علم کرد. در ژئوپلیتیک سنتی همواره قدرت در دست حکومت‌ها و بازیگران مطرح واحدهای سیاسی است در صورتی که در ضد ژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک از پایین و یا ژئوپلیتیک مقاومت عقیده بر این اساس استوار است که نه تنها قدرت نمی‌تواند در انحصار حکومت‌ها و بازیگران سنتی باشد، بلکه مخالفین و نیروهایی که در برابر حکومت‌ها هسته مقاومت تشکیل دادند نیز دارای قدرت هستند و می‌توانند قدرت موجود در جبهه مخالف که همان حکومت‌ها و بازیگران سیاسی هستند را به چالش بکشند. اما نکته قابل توجه این است که هرچند ضد ژئوپلیتیک در دوران جنگ سرد تولد یافت و حتی جنبش‌های کارگری و دهقانی که با قیام مسلحانه پیوند یافتند را نیز می‌توان در قالب ضد ژئوپلیتیک تفسیر و تحلیل کرد، لیکن در دوران اخیر و به‌ویژه پس از قرن بیستم و وقایعی از قبیل فروپاشی نظام دوقطبی و جهانی‌شدن، رویکرد مسالمت‌آمیز در این شاخه از ژئوپلیتیک توجه بیشتری کسب کرد و با توجه به مواردی که از قبل گفته شد، همچنان نیز در کانون توجه قرار دارد.

نتیجه گیری

آنچه که امروز ما شاهد مبارزات شهری در اقصی نقاط جهان هستیم با آنچه که در قرن بیستم شاهد آن بودیم بسیار متفاوت می باشد. شورش ها و مبارزات شهری در قرن بیستم، بیشتر تحت تأثیر فضای دوقطبی و اندیشه های مارکسیسم قرار داشت و گروه های چریکی مختلفی نیز در همین راستا شکل گرفتند و به فعالیت هایی در روستا و شهر پرداختند که پس از آزمون و خطاهای بسیار دریافتند که محیط های شهری بیشترین پتانسیل را برای انجام این گونه مبارزات دربردارد. چریک های ایران، الجزایر، برزیل و کوبا بیشترین فعالیت های خود را در قرن بیستم به شهرها اختصاص می دادند.

در دهه پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم میلادی، به شدت و حدت سالیان گذشته شاهد جنگ های چریکی شهری نیستیم و مبارزات شهری در چارچوب فعالیت های مسالمت آمیز و به دور از خشونت انجام می گیرد و همین امر در حوزه جغرافیای سیاسی شهری، این سؤال را در ذهن مطرح می کند که چه عواملی در این تحول تأثیرگذار بوده اند؟ پژوهش کنونی که شرح آن گذشت در ابتدا با این سؤال آغاز شد که چه متغیرهایی از منظر ژئوپلیتیک بر تحول مبارزات شهری نقش داشتند؟ با توجه به مطالعات انجام شده و شرحی که گذشت مبرهن شد فروپاشی نظام دوقطبی و کاهش شدید اعتبار اندیشه های مارکسیستی، شدت یافتن فرآیند جهانی شدن و اهمیت یافتن موضوعات نوین اجتماعی - فرهنگی و محیط زیستی برای جوامع به ویژه شهرنشینان و سرانجام رشد و غلبه رویکرد علمی ضد ژئوپلیتیک، باعث شد که مبارزات شهری سمت و سوی نوینی به خود گیرد و علاوه بر موضوعات سیاسی و اقتصادی که پیش تر نیز مطرح بود، موضوعات جدیدی مورد توجه شهروندان قرار گیرد که پیش از آن یا مورد توجه نبود و یا اهمیت کمتری داشت. چنانکه در مطالعات مربوط به قرن بیستم می توان دریافت که بیشتر مبارزات شهری، خاصه نبردهای چریکی، درون مایه ایدئولوژیکی داشتند و با از میان رفتن شوروی به عنوان الگوی سایر کشورها در اندیشه های مارکسیستی، این گونه از مبارزات خشونت آمیز رنگ باخت و به این ترتیب نه تنها اهداف مبارزات شهری تغییر کرد، بلکه استراتژی آن نیز دستخوش دگرگونی هایی گردید که اکنون شاهد آن هستیم.

منابع

- اشجعی، محسن (۱۳۶۹). تئوری جنگ‌های چریکی در نظریات مختلف روابط بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: داود باوند، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع).
- افروغ، عماد (۱۳۷۶). فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، استاد راهنما: حسین شکویی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). شورش‌های شهری و امنیت داخلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره سوم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۷ و ۸)، صص ۲۷۲-۲۸۲.
- افضلی، رسول و مرادی، اسکندر (۱۳۹۲). اندیشه‌های جدید در ژئوپلیتیک: پست مدرنیسم - پسا ساختارگرایی و گفتمان، چاپ اول، تهران: زیتون سبز.
- بلانت، آلیسون و ویلس، جین (۱۳۸۷). دگراندیشی در فلسفه جغرافیا، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۳). قلمرو و فلسفه جغرافیا، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ترکان، اکبر (۱۳۷۷). نظری اجمالی به ژئوپلیتیک جهانی در قرن اخیر، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جزنی، بیژن (۱۳۴۶). جنبش ضد استعماری، بی‌جا: انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا و احمدی‌پور، زهرا و قادری‌حاجت، مصطفی (۱۳۹۴). سیاست و فضا. چاپ پنجم، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظنیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۹). فلسفه جغرافیای سیاسی، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسینی، مجتبی (۱۳۸۸). مبانی نظری سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در دوران محمدرضا پهلوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره).
- زارعی، بهادر (۱۳۹۲). بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تأکید بر اسلام و ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شکویی، حسین (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها اکولوژی اجتماعی شهر، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

شورت، جان رنای و کیم، یونگ هیون (۱۳۸۴). جهانی شدن و شهر، ترجمه پانته آ لطفی کاظمی، چاپ اول، تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.

صدرشیرازی، محمدعلی (۱۳۹۵). سازمان چریک‌های فدایی خلق، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۹). روش‌شناسی شورش‌های شهری، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۳-۹.

صفوی، سیدیحیی و عابد، گل‌کرمی (۱۳۹۶). درآمدی بر جغرافیای سیاسی شهر، چاپ دوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: چاپ قومس.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۳). ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

فرید، یداله (۱۳۸۸). جغرافیا و شهرشناسی، چاپ هفتم، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

کاویانی‌راد، مراد؛ عزیزی‌کاوه، علی (۱۳۹۰). نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب شهر تهران. نشریه تحقیقات کاربردی تحقیقات علوم جغرافیایی، جلد ۱۷ (شماره ۲۰)، صص ۱۶۷-۱۵۱.

کمانداری، محسن (۱۴۰۰). بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از ساسانیان تا قاجاریه، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۲۱.

کیم، یونگ هیون و شورت، جان رنی (۱۳۸۹). شهرها و نظام‌های اقتصادی، ترجمه ابوالفضل مشکینی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

لطفی، حیدر و امیری، هاشم (۱۳۹۹). ژئوپولیتیک و ضد ژئوپولیتیک، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.

ماریگلا، کارلوس (۱۳۴۸). جزوه جنگ چریک شهری، بی‌جا: انتشارات داس.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۷). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

مورای، ای وارویک (۱۳۸۸). جغرافیای جهانی شدن، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبداللهی، چاپ اول، تهران: نشر چاپار.

نصیری زرقانی، آرش و دهقان، معصومه (۱۴۰۰). عملکرد سازمان چریک‌های فدایی خلق علیه حکومت پهلوی در جنگ‌های چریکی شهری، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، دوره پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۷)، صص ۹۹-۱۲۳.
ویسی، هادی (۱۳۹۴). مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

Gillespie, Richard (1980). A Critique of the Urban Guerrilla: Argentina, Uruguay and Brazil, *Journal of Conflict Studies*, Vol. 1 No. 2, pp 39-53.

Kalyanaraman, S (2003). Conceptualisations of Guerrilla warfare, *Strategic Analysis*, 27:2, pp 172-185.

Marighella, Carlos (1971). Appendix - Minimanual of the urban guerrilla, *The Adelphi Papers*, 11:79, pp 20-42.

Williams, John W. (1989). Carlos Marighela: The father of urban guerrilla warfare, *Terrorism*, 12:1, pp 1-20.

